

أسرادر برزخ اهمال اعراب و جنایات صهیونیست‌ها

بنیاد تاریخ پژوهی و دانشنامه انقلاب اسلامی - واحد ترجمه

مقدمه

از دسامبر ۲۰۱۰ که اولین کنفرانس مربوط به اسرای مقاومت در الجزایر برپا شد، تحولات زیادی در سرنوشت اوضاع جاری این عده از مبارزین حقیقی علیه اشغالگران به وقوع پیوست. از جمله اینکه گیلعاد شلیط سر جوخه یهودی، در ازای آزادی بیش از ۱۰۰۰ اسیر فلسطینی مبادله شد و جبهه مقاومت نسبت به ادامه مسیر به اسارت گرفتن صهیونیست‌ها، دل‌گرم‌تر و مصمم‌تر گردید و جبهه بین‌المللی صهیونیست‌ها در مجامع بین‌المللی بیش از پیش رسوا گردیده و آنها را در مسیر انزوا، بی‌تحرک‌تر نمود. کنفرانس‌های بعدی اسرا یکی پس از دیگری، امکان توجه بین‌المللی به این موضوع و هدایت افکار عمومی را فراهم نمود و در نهایت اعتراض زندانیان در قبال رفتار توهین‌آمیز و جنایت‌بار صهیونیست‌ها، به اشکال مختلف از جمله اعتصاب غذا، روند جدیدی از مبارزات ضد صهیونیستی در فرهنگ مقاومت را ابداع کرد که پیش از این سابقه نداشت.

این جنبش و یا به تعبیر صحیح‌تر انتفاضه اسرا و پیش از این انتفاضه آوارگان، همگی





با استفاده از ظرفیت‌های حقوق بشری و ضد استکباری بیداری اسلامی در منطقه بود که در فلسطین، در قالب امروزی آن، رخ تابانده است. مرور سه مطلب در این مقال از جمله وضعیت حقوقی اُسرأ، یک گفتگو با مسئولین و صحبت از آمار و ارقام، اطلاع و نگاه جدیدی^۱ به مخاطب از پرونده قدیمی اُسرأی فلسطینی می‌دهد که ان شاءالله با آزادی آنها، در پی آزادی قدس، پرونده‌ای باشد که برای همیشه مختومه اعلام گردد.

اُسرأ در میان شمشیر اسلو و دیوار نا کار آمد حقوق بین الملل

احمد التلاوی^۲

موارد به شهادت رسیدن شماری از اسرأی فلسطینی در مدت اخیر، چه آنها که در بند اسارت بودند و چه آنها که آزاد شدند، بار دیگر راه صحبت از یک مسئله بسیار مهم را کاملاً باز کرد. مسئله‌ای که در زمان کنونی، بحث و جدل پیرامون آن به سطح بین‌المللی و روابط میان حکومت فلسطین با «اسرائیل»، ایالات متحده و دیگر کشورهای هم‌پیمان غربی رسیده است.

مسئله اسرأیی که در زندان‌ها و بازداشتگاه‌های اسرائیل به سر می‌برند، به عرصه حقوق بین‌الملل راه یافته است و در محافل قضایی بین‌المللی، به ویژه دادگاه جنایی و دیوان دادگستری لاهه، دادخواست‌هایی علیه جنایات اسرائیل نسبت به این اسرأ، ارائه گردیده است.

این بُعد، یکی از شاخص‌ترین پرونده‌هایی است که موجب ایجاد بحران فعلی و تنش اصلی حکومت فلسطین با اسرائیل و ایالات متحده شده است.

اندیشه فرستادن پرونده جنایات اسرائیل به سازمان‌های قضایی بین‌المللی که در نوار غزه و به طور کلی نسبت به فلسطینیان صورت گرفته، مدتی است که از سوی حکومت فلسطین، دولت وحدت در نوار غزه و همچنین برخی از سازمان‌های جامعه مدنی فلسطین، در داخل و خارج و به ویژه در اروپا مانند شبکه اروپا - شبکه مدیران‌های حقوق بشر و انجمن دوستی فلسطین - مطرح گردیده است.

این موضوع برای اسرائیل نیز بسیار اهمیت دارد؛ چرا که طبق گزارش‌های دفتر

۱. برگرفته از نشریه/قدس، چاپ مصر، ش ۱۷۳، ص ۴۲-۳۲.

۲. نویسنده و پژوهشگر در امور توسعه‌ی سیاسی

مسئله اسرایی که در زندان‌ها و بازداشتگاه‌های اسراییل به سر می‌برند، به عرصه حقوق بین‌الملل راه یافته است و در محافل قضایی بین‌المللی، به ویژه دادگاه جنایی و دیوان دادگستری لاهه، دادخواست‌هایی علیه جنایات اسراییل نسبت به این اسرا، ارائه گردیده است

نخست‌وزیری بنیامین نتانیاهو و وزارت امور خارجه، اسراییل از انزوای روز افزون بین‌المللی رنج می‌برد. این انزوا حتی در پناهگاه‌های گذشته که پیش از این، اسراییل را تأیید می‌کردند، مانند کشورهای اتحادیه اروپا نیز وجود دارد.

موضوعی که شدت نگرانی اسراییل از احیای این پرونده را دو چندان کرده، دستیابی فلسطین به عنوان کشور ناظر غیر عضو، در انجمن عمومی سازمان ملل می‌باشد. فلسطین پیش از این، موفق به عضویت کامل در یونسکو نیز گردیده بود. تمام اینها با وجود تهدیدهای امریکا،

مبنی بر عدم تأمین بودجه این سازمان‌ها، انجام پذیرفته است. این موفقیت فلسطین، وجود موضع‌گیری امریکا، بر این دلالت دارد که کوشش فلسطین برای پیگیری جنایات اسراییل از طریق سازمان قضایی بین‌المللی، ممکن است به نتیجه برسد.

بعد حقوقی مسئله

این بعد، بر وجود مجموعه‌ای از قراردادهای بین‌المللی که پیش از این اسراییل آنها را امضا نموده، متکی می‌باشد؛ از جمله کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در رابطه با حقوق بشر در زمان جنگ، به ویژه قرارداد سوم که رفتار با اسرای جنگی را تشکیل داده است. این قراردادها در سال ۱۹۴۹ امضا شده بود.

طبق نظر حقوق دانان، پس از به رسمیت شناختن فلسطین به عنوان کشور ناظر غیر عضو در سازمان ملل متحد، میدان در مقابل حکومت فلسطین برای امضا و تصویب پیمان‌های بین‌المللی فراهم شد. از جمله اساسنامه رم که منشور دادگاه جنایی بین‌المللی است و در سال ۱۹۹۹ به امضا رسیده است.

پیوستن حکومت فلسطین به دادگاه جنایی بین‌المللی، گذشته از وضعیت جدید بین‌المللی، فرصت ارتقای حقوقی و به تبع آن ارتقای سیاسی و تبلیغاتی علیه اسراییل را به آن می‌بخشد. البته پرونده اسرا پیش‌زمینه آن نیست، بلکه جنایات دیگر اسراییل به ویژه تجاوز «سرب گداخته» در زمستان ۲۰۰۸-۲۰۰۹ پیش‌زمینه آن می‌باشد.

اما در مقابل این تلاش فلسطین، برخی موانع قانونی وجود دارد. نخست: حکومت فلسطین یک دولت واجد شرایط نیست تا قراردادهای بین‌المللی سازمان از این





پرونده جنبش اسرا با همه پیامدهای حقوقی خود، اقتضا می‌کرد که ضمیمه اسناد فرآیند اسلو میان فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها باشد. اما شگفت آن است که با توجه به اهمیت این قراردادها، گنجانیدن این امر در آن با سهل‌انگاری و کوتاهی مواجه شده و به عنوان پرونده «حسن نیت» میان دو طرف رها شده است.

نظر، منطبق بر آن باشد. چنان که دادگاه جنایی بین‌الملل نیز به طور کلی حق بررسی مسئله اسرا و جنایات اسرائیل را ندارد، مگر در سه حالت که در وضعیت فلسطین فراهم نشده است.

حالت نخست: اینکه شورای امنیت، حکم آن را صادر کند که به دلیل حق وتوی عرفی امریکا، این امر محال است.

حالت دوم: دولتی که اقدام به ارائه دادخواست می‌نماید، باید مستندات قانونی در این مسئله داشته باشد یا از نظر حقوقی با آن مرتبط باشد.

حالت سوم: دادگاه جنایی بین‌الملل براساس رویدادهای مشخصی که موجب جنبش می‌شود، مسئله‌ای را بررسی می‌کند.

حالت اخیر: جنبه سیاسی دارد؛ زیرا دادگاه تنها در شرایطی آن را به کار می‌برد که با مواضع و سیاست‌های غربی هم راستا باشد. به عنوان مثال در خصوص وضعیت کشور مالی، این مورد به کار گرفته شد اما در وضعیت فلسطین یا بحرین سوریه هنوز این حالت به کار نرفته است.

طبق نظر بسیاری از ناظران و کارشناسان حقوق بین‌الملل از جمله ریچارد فولک، گزارش‌گر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر اراضی اشغالی فلسطین، راه حل این موضوع در مکانیزم‌های دیگر سازمان ملل به ویژه شورای حقوق بشر سازمان ملل نهفته است.

نقطه آغاز این جریان، چگونگی مرگ دو اسیر به نام‌های «عرفات جرادات» و «میسره ابوحمده» است. مرگ زندانی طی بازجویی یا درمان، یک حادثه نگران‌کننده است و نسبت به اسرائیل، این امر می‌تواند موجب اجرای بازجویی خارجی در این واقعه و موارد مشابه آن گردد.

شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، در اینجا نقش دارد و گمان آن می‌رود که در این حالت، اقدام به تشکیل یک گروه بین‌المللی از پزشکان متخصص و کارشناسان حقوقی نماید تا به تحقیق و بررسی مرگ جرادات بپردازند و به تبع آن، راه تحقیق در جنایات دیگر اسرائیل نیز کاملاً باز شود.

قراردادهای اسلو

افزایش سیاست حمله
غافلگیرانه و شکنجه این
اسرا و انتشار گاز سمی
در اتاق‌ها و چادرهای
آنان، از جمله اقداماتی
است که نمایان‌گر نقض
آشکار تمامی ارزش‌ها،
سنت‌ها و پیمان‌های
بین‌المللی می‌باشد

«اسرائیل» یک بعد حقوقی دیگر را در رابطه با مسئله اسرای فلسطینی در اختیار دارد و آن، اوضاع اسرا طبق قراردادهای اسلو است. این قراردادها سند اصلی تنظیم روابط سازمان آزادی‌بخش و سپس حکومت فلسطین با اسرائیل، در همه امور مشترک میان دو طرف فلسطین و اسرائیل می‌باشد که یکی از آنها مسئله اسرا است. در این چارچوب و در کنار آنچه که تحولات سیاسی و حقوقی در مسئله فلسطین ایجاد نموده‌اند، قراردادهای

اسلو، یک نقطه تمایز در سرنوشت جنبش اسرای فلسطینی به شمار می‌رود.

پرونده جنبش اسرا با همه پیامدهای حقوقی خود، اقتضا می‌کرد که ضمیمه اسناد فرآیند اسلو میان فلسطینی‌ها و اسرایلی‌ها باشد. اما شگفت آن است که با توجه به اهمیت این قراردادها، گنجاندن این امر در آن با سهل‌انگاری و کوتاهی مواجه شده و به‌عنوان پرونده «حسن نیت»، میان دو طرف رها شده است.

حتی در مواردی که این امر در آنها تعبیه نشده است، اسراییل به پیشنهادهایی که عملی شده، پایبند نبوده و با حقوق بین‌الملل در مواردی که به مسئله فلسطین اختصاص دارد، بارها به مخالفت برخاسته است.

همان‌گونه که پیش از این گفته شد، اسراییل یکی از کشورهای است که پیمان بین‌المللی حقوق بشر را که در سال ۱۹۴۸ صادر شد، به امضای آن رسیده است. دو پروتکل صادره در سال ۱۹۷۷ از جمله کنوانسیون سوم ژنو به حقوق اسرا اختصاص دارد و کنوانسیون چهارم مربوط به نحوه برخورد با افراد غیر نظامی به هنگام جنگ و در سرزمین‌های اشغالی می‌باشد.

تمامی این اسناد، بی‌شک تعرض به اسرای جنگی و بازداشت شدگان اداری در داخل سرزمین‌های اشغالی را ممنوع می‌کند. نیروهای اشغالگر را به حمایت از غیر نظامیان و دارایی‌هایشان و هدف قرار ندادن آنها وامی‌دارد. طبعاً اقدامات اسراییل در طول چندین دهه درگیری، خالی از هرگونه احترام به این قوانین بوده است. در این مورد اتفاقاتی که در دو انتفاضه اول و دوم و جنگ غزه در زمستان ۲۰۰۹-۲۰۰۸ به وقوع پیوست، کافی است.

همین وضع در برخورد اسراییل با پیمان‌های سازش میان فلسطینیان و صهیونیست‌ها





هم‌اکنون در زندان‌های اشغالگران چیزی نزدیک به «۴۹۰۰» اسیر، از همه گروه‌ها و طبقات جامعه فلسطینی وجود دارند. در این میان، ۱۴ اسیر زن، ۲۳۰ کودک زیر هجده سال، به علاوه ۱۴ نماینده مجلس قانون‌گذاری فلسطین و دو وزیر پیشین هستند

از زمان قرارداد اسلو-۱ در سال ۱۹۹۳ تا پیمان «وای ریور» در سال ۱۹۹۸ نیز دیده می‌شود. به عنوان مثال، نخستین پیمان اسلو هیچ اشاره‌ای به پرونده اسرا نکرده است.

هنگام امضای قرارداد «اسلو-۱» با توافقنامه اعلام اصول در واشنگتن و در سال ۱۹۹۳، اسرائیل ۱۲ هزار و ۵۰۰ فلسطینی را در اسارت داشت، اما این توافقنامه، حاوی هیچ نکته‌ای در خصوص آنان نیست.

هنگام امضای پیمان «غزه-اریحا» در قاهره و در سال ۱۹۹۴، شمار اسرا و بازداشت‌شدگان فلسطینی،

به حدود ۱۰ هزار و ۵۰۰ تن می‌رسید و ماده ۲۰ این پیمان، شامل مقدمات آزادسازی ۵ هزار اسیر و بازداشت‌شده فلسطینی می‌شد؛ اما اسرائیل تنها ۴۴۵۰ نفر را آزاد نمود و آنان را به دادن تعهد و ادار ساخت تا دیگر به فعالیت‌های مقاومت بازنگردند. این اقدام در آن زمان با انتقادات حقوقی گسترده‌ای مواجه شد.

در پیمان طابا (سپتامبر ۱۹۹۵)، اسرائیل به اقداماتی که در ماده‌ی ۱۶ وارد شده بود، پایبند نماند. از شمار ۶۰۰۰ تن از اسرا که مورد توافق بود گرفته تا مراحل مربوط به آزادسازی آنان. کسانی هم که آزاد شده بودند، اسرائیل اسامی آنها را دستکاری کرده بود تا از بعضی اسامی که این پیمان شامل آنها می‌گردید و دوره محکومیت خاص خود را گذارنده بودند، چشم‌پوشی کند.

پیمان «وای ریور» (اکتبر ۱۹۹۸) نیز شامل تعهد امریکایی-اسرائیلی برای آزادسازی ۷۵۰ اسیر فلسطینی در سه نوبت بود؛ در واقع ۲۵۰ اسیر در هر نوبت. اما اسرائیل تنها ۲۵۰ نفر از آنان را در نوامبر ۱۹۹۸ آزاد نمود که در میان آنها ۱۶۵ نفر زندانی جنایی و بقیه زندانی سیاسی بودند.

در نهایت باید اذعان کرد که این موضوع، سراسر سیاسی است و تحت نفوذ مواضع حکومت فلسطین قرار داد. یعنی - به موجب مصوبات سازمان ملل متحد - تنها نهادی که حق سخنگویی از سوی فلسطینیان را داراست و همین حکومت است که کار را به خانه مشاجره‌های سیاسی داخلی و مانع تراشی خارجی از سوی اسرائیل و ایالات متحده می‌کشد.

گفتگو با ریاض اشقر - مدیر تبلیغاتی مرکز مطالعات اسرای فلسطین وضعیت اسرای فلسطینی؛ «نه زندگی و نه مرگ»

مها احمد

اسرای فلسطینی در زندان‌های اشغالگران به بی‌رحمانه‌ترین نحو در معرض رنج و بدرفتاری قرار دارند. همین امر، توقف بی‌حرمتی‌های بزرگی را که این اسرای بی‌گناه به آن دچار هستند، مورد تأکید قرار می‌دهد. در سطرهای بعدی، نشریه/القدس نظر «ریاض اشقر» - مدیر تبلیغاتی مرکز مطالعات اسرای فلسطینی - را درباره حقیقت ماجرای اسرای فلسطینی در زندان‌های رژیم، جویا شده‌است. ابتدا از او پرسیدم:

- شمار اسرای فلسطینی درون زندان‌های رژیم صهیونیستی به چند نفر می‌رسد و آیا در میان آنها، زنان و کودکان نیز وجود دارند؟

هم اکنون در زندان‌های اشغالگران چیزی نزدیک به «۴۹۰۰» اسیر، از همه گروه‌ها و طبقات جامعه فلسطینی وجود دارند. در این میان، ۴۵۰ اسیر از نوار غزه، ۳۳۰ اسیر از قدس و اراضی سال ۴۸، ۴۰۰۰ اسیر از کرانه غربی اشغالی و حدود ۵۰ اسیر عرب با نژادهای گوناگون وجود دارند. این اسرا در ۱۷ زندان، بازداشتگاه و مرکز توقیف صهیونیسم پراکنده‌اند. مشهورترین آنها زندان‌های نفحه، نقب، بئر السبع، عوفر، مجدو، عسقلان و هداریم می‌باشند.

همین طور در حال حاضر در زندان‌های رژیم، ۱۴ اسیر زن، ۲۳۰ کودک زیر هجده سال، به علاوه ۱۴ نماینده مجلس قانون‌گذاری فلسطین و دو وزیر پیشین وجود دارند. ده‌ها تن از رهبران تشکل‌ها، شخصیت‌های دانشگاهی و افراد سرشناس نیز به این تعداد اضافه می‌شوند. در زندان‌های اشغالگران، تقریباً ۱۰۰۰ اسیر بیمار نیز وجود دارند که از میان آنها: ۱۱ نفر از سرطان رنج می‌برند، ۸۰ نفر از دیابت و ۳۶ نفر معلول حرکتی و ذهنی نیز به طور دائم در مکانی اقامت دارند که با صرف نظر از ماهیت آن، «بیمارستان رمله» نامیده می‌شود.

اگر بخواهیم از شهدای جنبش اسرا صحبت کنیم، می‌توان گفت ۲۰۴ شهید، از سال ۱۹۶۷ هستند. اما اسرای قدیمی نیز وجود دارند که اشغالگران هنوز ۱۰۴ نفر از آنان را در حبس نگه داشته‌اند. پیش از قرارداد اسلو در سال ۱۹۹۴، هریک از آنها حداقل



نیروهای اشغالگر، طبق قانون «نه زندگی و نه مرگ» با بیماران رفتار می‌کنند. یعنی هنگامی که اسیر به یک بیماری دچار می‌شود، از سوی مدیریت زندان، درمان‌های لازم به او ارائه نمی‌شود تا بیمار بهبود یابد؛ بلکه او را به حال خود رها می‌کنند تا اینکه وضعیت سلامتی‌اش به شکل خطرناکی پس رفت می‌کند

۱۸ سال را در زندان سپری کرده‌اند. از این میان ۷۴ اسیر هستند که آنها را «ستون‌های اسرا» می‌نامیم، یعنی کسانی که بیش از ۲۰ سال را در زندان به سر برده‌اند. از میان آنان اسرایی هستند که بیش از یک ربع قرن را در بازداشت به سر برده‌اند و دوره بازداشت دو نفر از اسرا نیز از سی سال گذشته است که آنها کریم و ماهر یونس هستند.

- آیا می‌توانی تصویر زنده‌ای را از رنج اسرا در داخل زندان‌های اشغالگران برای ما ترسیم کنی؟

اوضاع اسرا در زندان‌های صهیونیسم واقعاً بی‌رحمانه است. به طوری که زندان‌ها شاهد نوعی تنش همیشگی است. این وضع در نتیجه بی‌توجهی مسئولان زندان‌ها نسبت به زندگی اسرایی است که اعتصاب غذا کرده‌اند؛ به ویژه در مواردی که با سیاست سهل‌انگاری پزشکی تعمدی، مرتبط باشد. این سهل‌انگاری پیوسته شمار بیماران را افزایش داده و این سیاست منجر به شهادت ۵۲ اسیر گردیده است. آخرین آنها میسره ابوحمديه بود که پس از دست و پنجه نرم کردن با بیماری کشنده سرطان، به شهادت رسید. به همین ترتیب، ادامه یافتن حبس دو اسیر به نام‌های «ضرار ابوسیسی» و «عوض صعیدی» در سلول انفرادی، محرومیت اسرا از آموزش‌های متوسطه و دانشگاهی، سخت‌گیری در دیدار اعضای خانواده، محرومیت از بیشتر حقوق و امتیازاتی که پیمان‌های بین‌المللی بشری شامل آنها می‌شوند، افزایش سیاست حمله‌ی غافلگیرانه و شکنجه این اسرا و انتشار گاز سمی در اتاق‌ها و چادرهای آنان، از جمله اقداماتی است که نمایان‌گر نقض آشکار تمامی ارزش‌ها، سنت‌ها و پیمان‌های بین‌المللی می‌باشد.

محرومیت از درمان

- اسرای بیماری که در معرض شکنجه به دست نیروهای رژیم قرار دارند، در چه وضعیتی به سر می‌برند؟

به ویژه بعد از شهادت عرفات جرادات و میسره ابوحمديه و علاوه بر آنها شمار عظیمی از اسرایی که چند روز پس از آزادی، جان خود را از دست داده‌اند. سیاست عمدی سهل‌انگاری پزشکی که نیروهای اشغالگر آن را نسبت به اسرا اعمال

اشغالگران، اذهان عمومی بین الملل را با این ادعا فریب می دهند که اسرای بیمار را به بیمارستانی که «بیمارستان رمله» نامیده می شود، منتقل می کنند. اما حقیقت امر این است که این مکان هیچ تفاوتی با زندان ها ندارد

می نمایند، یک سیاست آماده سازی آهسته در خصوص صدها بیمار موجود در زندان ها به شمار می رود و همین امر، بی اعتنایی مدیریت این زندان ها به زندگی زندانیان را نشان می دهد؛ این سیاست تا آنجا پیش می رود که یا مانند ابوحمديه و جرادت به حد مرگ برسد و یا در افرادی که به بیماری های بدخیم دچار هستند، وخامت بیماری بیشتر شود و در نتیجه امید به بهبودی آنان کاهش می یابد.

نیروهای اشغالگر، طبق قانون «نه زندگی و نه مرگ»

با بیماران رفتار می کنند. یعنی هنگامی که اسیر به یک بیماری دچار می شود، از سوی مدیریت زندان، درمان های لازم به او ارائه نمی شود تا بیمار بهبود یابد؛ بلکه او را به حال خود رها می کنند تا اینکه وضعیت سلامتی اش به شکل خطرناکی پس رفت می کند و هنگامی که در آستانه مرگ قرار می گیرد، چند مسکن و آرام بخش به او می دهند تا آن فرد نمیرد و مسئولیت مرگ در داخل زندان به عهده آنان نیفتد؛ اما در همان زمان، این آرام بخش ها، فرد را از بیماری رهایی نمی بخشند. به این ترتیب اسیر فلسطینی میان مرگ و زندگی باقی می ماند و هرگاه نیروهای اشغالگر احساس نمایند که اسیر در شرف مرگ است، او را آزاد می کنند تا بیرون از دیوار زندان های صهیونیسم به شهادت برسد و به همین سهولت مسئولیت مرگ او را از سر باز می کنند.

سناریوی فوق الذکر با ده ها تن از اسرای آزاد شده، اتفاق افتاد. آخرین نفر از آنها شهید «اشرف ابو ذریع» بود که تنها دو هفته پس از آزادی، بر اثر از کار افتادگی شدید کلیه، به شهادت رسید. اشغالگران، اذهان عمومی بین الملل را با این ادعا فریب می دهند که اسرای بیمار را به بیمارستانی که «بیمارستان رمله» نامیده می شود، منتقل می کنند. اما حقیقت امر این است که این مکان هیچ تفاوتی با زندان ها ندارد و اسرا در آنجا از هیچ گونه مراقبت پزشکی یا رفتار انسانی برخوردار نمی شوند. ممکن است یک اسیر ده ها سال در این مکان باقی بماند، بی آنکه کوچک ترین پیشرفتی در وضعیت سلامتی او دیده شود.

- بازداشتگاه های صهیونیسم، روزانه شاهد حمله غافلگیرانه و شکنجه اسرا می باشد. می توانی برای ما از این حمله های غافلگیرانه بیشتر توضیح دهی؟
اشغالگران به طور عمد و با تمام ابزارها، زندگی اسرای داخل زندان ها را در تنگنا قرار





در برخی از مواقع، توهین به قرآن کریم، پاره کردن یا زیرپانهادن آن نیز در این حمله‌ها پیش می‌آید؛ به طوری که در زندان «مجدو»، این کار تکرار می‌شود. این عملیات تحت پوشش امنیتی انجام می‌پذیرد و یگان‌های سرکوب‌گر معروف به «نحشون» و «متسادا» و یگان‌های «داروم» و «کیترا»، به اجرای آن مبادرت می‌ورزند.

می‌دهند. از یک سو طی عملیاتی، به زور وارد اتاق‌ها می‌شوند و به بازرسی‌های شبانه و ناگهانی می‌پردازند. این عملیات، غالباً با وحشت، حمله به اسرا و ضرب و شتم آنها، انتشار گاز و مصادره وسایل شخصی آنها از جمله عکس فرزندان و نامه‌های خصوصی همراه است. در برخی از مواقع، توهین به قرآن کریم، پاره کردن یا زیرپانهادن آن نیز در این حمله‌ها پیش می‌آید؛ به طوری که در زندان «مجدو»، این کار تکرار می‌شود. این عملیات تحت پوشش امنیتی انجام می‌پذیرد و یگان‌های سرکوب‌گر معروف به «نحشون» و

«متسادا» و یگان‌های «داروم» و «کیترا»، به اجرای آن مبادرت می‌ورزند. افراد این گروه در نهایت قساوت و نفرت با اسرا رفتار می‌کنند و عمداً آنان را تحریک می‌نمایند تا برای حمله و ضرب و شتم آنان، دلیل موجهی بتراشند.

یگان‌های ویژه همچنین به طور عمدی در اعمال خشونت، زور و حمله جسمانی، زیاده‌روی کرده و به این ترتیب، حالتی از رعب و وحشت را در نظر اسیر ایجاد می‌کنند و در خوار و حقیر نمودن او افراط می‌ورزند. اسرا، بارها و بارها با این تهاجمات مقابله کرده‌اند؛ از طریق اعتراضات و تن ندادن به بازرسی بدنی برهنه که اشغالگران، طی عملیات آن را به کار می‌گیرند. اما اسیر معترض، در معرض ضرب و شتم و ناسزا قرار می‌گیرد، به سلول انفرادی منتقل می‌شود و جرایم مالی سنگینی به عنوان مجازات به او تحمیل می‌شود. در بعضی از مواقع نیز کار تا حدی درگیری اسرا با پرسنل زندان نیز پیش می‌رود. آنها نیز گاهی اوقات با استفاده سلاح‌های مرگبار علیه اسرا و شلیک گلوله پلاستیکی یا حقیقی علیه آنان، هراسی به دل راه نمی‌دهند.

رنج زنان اسیر

- «لینا الجربونی» یکی از زنان اسیر است که بیش از ده سال درون بازداشتگاه صهیونیست‌ها در کنار شمار دیگری از اسرای زن محبوس شده‌است. می‌توانی تصویری زنده از رنج آنان را به ما منتقل کنی؟
هم اکنون در زندان اشغالگران ۱۴ اسیر زن فلسطینی وجود دارند که قدیمی‌ترین

وضعیت دیگر اسرای زن نیز به شدت وخیم است. زیرا پرسنل زندان آنها را در مضیقه قرار می دهند، تحقیر می کنند، به ویژه همواره از سیاست بازرسی برهنه استفاده می نمایند و آنها را در سلول هایی نزدیک به زنان جنایتکار صهیونیست قرار می دهند

آنها لینا الجربونی از مناطق ۴۸ است که ۱۷ سال به زندان محکوم شده است. پس از قرارداد «وفای آزادگان»، او تنها زنی بود که در زندان باقی ماند. جربونی از سردرد همیشگی، ورم پاها و دردهای کیسه صفرا نجات می برد و نیاز به عمل جراحی دارد؛ اما اشغالگران درمان های لازم را به او ارائه نمی دهند.

از میان سایر اسرای زن، ۴ اسیر مادر هستند که در جمع ۲۷ فرزند دارند. یکی «سلوی عبدالعزیز حسان» از الخلیل است که ۶ فرزند و ۲۱ ماه به زندان محکوم شده است؛ «نوال سعید السعه» ۵۳ ساله از «جنین» که ۱۱ فرزند

دارد و در بازداشت به سر می برد؛ «انتصار محمد الصیاد السید» از قدس که ۴ فرزند دارد و دوسال به زندان محکوم شده است؛ «اسماء یوسف البطران» از الخلیل که ۶ فرزند دارد و ۱۰ ماه به زندان محکوم شده است.

وضعیت دیگر اسرای زن نیز به شدت وخیم است. زیرا پرسنل زندان آنها را در مضیقه قرار می دهند، تحقیر می کنند، به ویژه همواره از سیاست بازرسی برهنه استفاده می نمایند و آنها را در سلول هایی نزدیک به زنان جنایتکار صهیونیست قرار می دهند که این اقدام، زندگی آنان را در معرض خطر قرار می دهد. گذشته از اینها با دلایل واهی مانع از ملاقات آنها با اعضای خانواده شان می شوند. اسرای زن همچنین در ماه های اخیر، در معرض تهاجمات سرکوب گرانه و سازماندهی شده قرار گرفته اند و علاوه بر آن، اشغالگران در قسمت زنان، دوربین هایی قرار داده اند تا حرکات آنان را زیر نظر داشته باشند که این امر، بی حرمتی به خصوصیات آنها محسوب می شود. مدیریت زندان، همچنان سیاست ورود ناگهانی به اتاق ها در ساعات پایانی شب را اعمال می نماید؛ به طوری که وسایل شخصی آنان را به هم می ریزند و محتویات اتاق ها را کاملاً زیر و رو می کنند. افزون بر اینها به اسرای زن اجازه نمی دهند که در اتاق هایشان کتابخانه ای فراهم کنند؛ آنان را از آموزش محروم می کنند؛ از ورود هرگونه ابزار اولیه توسط خانواده اسرا، در رابطه با صنایع دستی که اسرای زن به تهیه آن می پردازند، ممانعت به عمل می آورند؛ همچنین به اسرای زن اجازه نمی دهند، کارهای دستی را که برای خانواده هایشان تهیه کرده اند، طی ملاقات هایشان به دست آنان برسانند.





سلب حقوق کودکان

- در رابطه با کودکان اسیری که در زندان‌های رژیم به سر می‌برند، با توجه به افزایش خطرناک اقدامات علیه آنان به ویژه در خصوص جنایت‌های تحریک جنسی، چه حقایقی وجود دارد؟

حقوق بین‌الملل بر ضرورت فراهم شدن حمایت از کودکان تأکید ورزیده، مسئله بازداشت کودکان را محدود نموده و آن را در کوچک‌ترین حد و حدود قرار داده است؛ با شرایطی که ضامن آسیب نرسیدن به حقوق یا تجاوز یا اعمال شکنجه روحی و جسمی بر آنان می‌باشد.

با وجود همه اینها رژیم صهیونیستی، هدف قراردادن کودکان را اولویت خود قرار داده است و وحشیانه‌ترین انواع شکنجه و اهانت را نسبت به آنان روا می‌دارد. همه این اقدامات به واسطه مؤسسات حقوقی و بشری به چشم و گوش جهانیان می‌رسد. مؤسساتی که در برابر جنایات اشغالگران نسبت به کودکان که ناقض حقوق اسرای کودک است، ساکت نمی‌نشینند. این جنایات به طور آشکار، با ماده ۱۶ منشور حقوق کودک در تعارض می‌باشد که بدین شرح است: «هیچ‌گونه اقدام خودسرانه یا غیرقانونی نسبت به کودک در مورد زندگی خصوصی یا خانواده یا نامه‌نگاری‌های او جایز نیست و شرافت و آبروی او نیز نباید خلاف قانون خدشه‌دار شود». این منشور همچنین شامل این نکته است که «کودک حق دارد که در برابر چنین اقدامات و آسیب‌هایی از حمایت قانون برخوردار شود».

با وجود این، اشغالگران در زندان‌ها همچنان نزدیک به ۲۳۰ کودک زیر هجده سال را می‌ربایند. این کودکان که باقی مانده‌اند، در اصل بخشی از ۹۰۰۰ کودکی هستند که آغاز انتفاضه الاقصی (۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰) بازداشت شدند.

نکته مهم‌تر در نوع رفتار با اسرای کودک این است که اشغالگران برای کودکان فلسطینی حق زندگی قائل نیستند؛ بلکه آنها را خرابکار می‌نامند و بر این اساس، با منطق انتقام جویانه با آنان برخورد می‌کنند و انواع شکنجه و رفتار سنگدلانه و تحقیرآمیز را نسبت به آنان در پیش می‌گیرند؛ از ضرب و شتم گرفته تا محرومیت از خواب و غذا و ملاقات، تهدید و ناسزاگویی. اشغالگران این کودکان را همراه با مزدوران محبوس می‌کنند تا آنان را تحت فشار قرار دهند و برای انجام اعمالی که به نفع اشغالگران است، آنان را مهیا کند. به همین ترتیب آنان را در شرایطی خشونت بار و غیرانسانی قرار می‌دهند که فاقد حداقل معیارهای بشری برای حقوق کودکان است.

هیچ‌گونه مراقبت پزشکی به آنان ارائه نمی‌دهند و مکان‌های نگهداری آنان مناسب و پاکیزه نیست. حتی کار به جایی می‌رسد که از ملاقات با خانواده یا ارتباط با آنها که موجب آرامش خاطر کودکان می‌شود، نیز محروم می‌گردند. نگهداری آنان همراه با جنایتکاران اسرائیلی، خطر بزرگی را برای آنان ایجاد می‌کند، گذشته از اینکه گاهی اوقات در معرض تهدید به آزار جنسی نیز قرار می‌گیرند.

نکته مهم‌تر در نوع رفتار با اسرای کودک این است که اشغالگران برای کودکان فلسطینی حق زندگی قائل نیستند؛ بلکه آنها را خرابکار می‌نامند و بر این اساس، با منطق انتقام‌جویانه با آنان برخورد می‌کنند و انواع شکنجه و رفتار سنگدلانه و تحقیرآمیز را نسبت به آنان در پیش می‌گیرند؛ از ضرب و شتم گرفته تا محرومیت از خواب و غذا و ملاقات، تهدید و ناسزاگویی

بین‌المللی کردن مسئله

در راستای مبارزه با این اقدامات سرکوبگرانه، آیا امکان بین‌المللی کردن مسئله اسرا وجود دارد؟

مسئله اسرا به هر انسان آزاده و شریفی نیاز دارد تا به دفاع از آن برخیزد؛ با این حال، این مسئله در عرصه محلی یا عربی یا بین‌المللی با اهتمام مطلوبی مواجه نشده است. آنچه که در میان عامه فلسطینیان، گه‌گاهی به عنوان جنبش همبستگی با اسرا اتفاق می‌افتد، به گنجایش رنج‌های آنان نمی‌رسد و با میزان بی‌حرمتی‌هایی که اسرا توسط زندانبان‌ها متحمل آن می‌شوند، تناسب ندارد. برای اینکه ایجاد یک جنبش در مسئله اسرا به سرانجام برسد، نخست باید تمام تلاش‌ها دوشادوش یکدیگر قرار گیرند و در همه زمینه‌های حقوقی، تبلیغاتی، ملی و حتی در زمینه مقاومت، باید فعالیتی یکسان و همانند صورت پذیرد.

همچنین فعالیت‌های همبستگی با اسرا وظیفه دارند که این مسئله را برجسته نمایند و همگان را به ادای تکلیفشان در برابر اسرا و ادار سازند. در آن زمان است که حکومت فلسطین باید دست به حرکتی بزند و علیه اشغالگران که نسبت به اسرا مرتکب جنایات جنگی می‌شوند، دادخواست ارائه نماید. حکومت فلسطین باید از دستیابی این کشور به جایگاه کشور ناظر غیر عضو در سازمان ملل متحد در جهت رسیدن به عرصه بین‌المللی، بهره‌جوید و سازمان ملل را وادار سازد که نسبت به اسرا موضع همیاری و پشتیبانی را اتخاذ نماید. باید از بیانیه‌ها، ویدئوها و اسنادی که به وضوح جنایات اشغالگران را بر ملا می‌کنند، استفاده کند. همچنین باید گزارش‌هایی را به کار ببرد که از مؤسسات حقوقی





و بین‌المللی منتشر می‌شوند و آشکارا اشغالگران را محکوم می‌نمایند. سفارات فلسطین باید در جهت یاری رساندن به مسئله اسرا، اذهان عمومی بین‌الملل را یکپارچه سازند. به همین ترتیب، کشورها و دانشگاه‌های عربی نیز باید در برابر این مسئله موضع محکم‌تری بگیرند و از صدور بیانیه‌های انتقادی و محکومیت دست‌بردارند. رسانه‌های گروهی نیز مسئولیت سنگینی را بر دوش دارند؛ از این نظر که باید به همه عرصه‌های جهانی دست یابند، متحدان و پشتیبانان تازه‌ای را برای مسئله اسرای فلسطینی جذب نمایند و به پرده دروغ جنایات اشغالگران علیه اسرا بپردازند.

اسرای فلسطینی ... تصویری آماری

حامی عبداللطیف

سی و نهمین سالروز «اسیر فلسطینی» فرا می‌رسد و هنوز هزاران اسیر فلسطینی، در بند بازداشتگاه‌های اسرائیلی می‌باشند. در بیش از ۱۷ زندان و مرکز توقیف، در میان اوضاع دشواری که در نتیجه سیاست‌ها و اقدامات نژادپرستانه مدیریت زندان‌های اسرائیل ایجاد شده است. به طوری که در زیر دالان‌های زندان اشغالگران، بیش از ۴۹۰۰ اسیر فلسطینی جای گرفته‌اند. در میان آنان بیش از هزار بیمار وجود دارند که زندگی برخی از آنان در اثر اعتصاب غذا، در معرض خطر جدی قرار گرفته است؛ مانند سامر عیساوی، کسی که بیش از نه ماه اعتصاب غذا کرده و همچنان به این کار ادامه می‌دهد.

تاریخ روز اسیر فلسطینی به ۱۷ آوریل سال ۱۹۷۴ باز می‌گردد. در این روز نخستین عملیات مبادله اسرا با نیروهای اشغالگر انجام پذیرفت و یکی از اسرا به نام «محمود بکر حجازی» آزاد گردید و به همین مناسبت این روز، «روز اسیر فلسطینی» نام گرفت تا حتمی بودن پیروزی اسیر بر زندانبان را مورد تأکید قرار دهد.

بیانیه‌های امور اسرا و آزادشدگان حاکی از آن است که از میان مجموع اسرایی که درون زندان‌های اسرائیل هستند، «۲۳۵» اسیر کودک یافت می‌شوند و «۱۴» اسیر زن فلسطینی که قدیمی‌ترین آنها لینا جربونی از سرزمین‌های اشغالی سال ۴۸ است. وی از ۱۸ آوریل ۲۰۰۲ بازداشت شده و هم‌اکنون، حکم ۱۷ ساله زندان را سپری می‌کند. ۱۴ نفر عضو مجلس قانون‌گذاری هستند و دو نفر نیز وزیر پیشین می‌باشند. ۵۳۳ اسیر نیز با حکم حبس ابد به سر می‌برند.

افزایش شمار بازداشت‌ها

تاریخ روز اسیر فلسطینی به ۱۷ آوریل سال ۱۹۷۴ باز می‌گردد. در این روز نخستین عملیات مبادله اسرا با نیروهای اشغالگر انجام پذیرفت و یکی از اسرا به نام «محمود بکر حجازی» آزاد گردید و به همین مناسب این روز، «روز اسیر فلسطینی» نام گرفت

بیانیه‌ها شاهد افزایش چشمگیری می‌باشد که به طور غیرمنتظره‌ای در تعداد موارد بازداشت به وجود آمده است؛ با توجه به این که نیروهای اشغالگر طی سال گذشته (۲۰۱۲)، ۳۸۴۸ هموطن فلسطینی را بازداشت کرده‌اند یعنی به طور میانگین روزانه ۱۱ مورد که این تعداد نسبت به سال پیش از آن یعنی ۲۰۱۱، به میزان

۱۶/۲ درصد افزایش داشته است. از میان بازداشت شدگان در طی سال گذشته، ۸۸۱ نفر از آنها کودکان زیر هجده سال بوده‌اند که نسبت به سال پیش از آن ۲۰۱۱، ۲۶ درصد بیشتر شده است.

از آغاز سال ۲۰۱۳ نیز نیروهای اشغالگر ۱۰۷۰ هموطن را بازداشت نموده‌اند که نسبت به همین بازه زمانی در سال گذشته، ۸/۴ درصد رشد داشته است.

بازداشت اداری

مرکز آمار وزارت اسرا و آزادشدگان به این امر اشاره دارد که از سال ۱۹۶۷، نیروهای اشغالگر، بیش از پنج هزار حکم بازداشت اداری صادر نموده‌اند؛ از جمله ۲۳ هزار حکم از آغاز انتفاضه الاقصی در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰ که از میان آنها ۱۶۸ نفر، بدون هیچ اتهام یا محاکمه‌ای همچنان به حالت بازداشت اداری باقی مانده‌اند.

اسرای قدیمی

اصطلاح «اسرای قدیمی» به بازداشت شدگان پیش از قرارداد اسلو و اقدام حکومت ملی فلسطین در ماه مه سال ۱۹۹۴، اطلاق می‌شود. این اسرا همچنان در زندان‌های اشغالگران به سر می‌برند و تا ابتدای ماه آوریل امسال، شمار آنان به ۱۰۵ نفر رسیده بود. اصطلاح «ستون‌های اسرا» به کسانی اطلاق می‌شود که بیش از ۲۰ سال از زمان بازداشت آنان گذشته باشد و تعداد آنها تا ۷۷ اسیر بالا رفته است.

«کریم یونس» از اسرای سرزمین‌های اشغالی سال ۱۹۴۸، که از ژانویه سال ۱۹۸۳ بازداشت شده است، ستون اسرا و قدیمی تر از همه آنان می‌باشد.





شمار شهدای اسیر از سال ۱۹۶۷ به ۲۰۴ اسیر می‌رسد که پس از بازداشت، به دلیل شکنجه و سهل‌انگاری پزشکی یا قتل عمد یا در نتیجه استفاده از کتک‌های شدید یا گلوله زنده به شهادت رسیده‌اند

اسرای بیمار

در پایان ماه مارس ۲۰۱۳، شمار اسرای بیمار در زندان‌ها و بازداشتگاه‌های اشغالگران به حدود ۱۴۰۰ نفر رسیده که از بیماری‌های گوناگون رنج می‌برند. از این میان، ۱۷۰ اسیر نیازمند عمل‌های جراحی فوری و ضروری هستند و ۸۵ اسیر به معلولیت‌های گوناگون (جسمی، ذهنی، روحی و حسی) دچار هستند. ۱۶ نفر نیز به طور دائم در مکانی که بیمارستان - زندان رمله نامیده می‌شود، اقامت دارند. ۲۵ اسیر به بیماری سرطان دچار هستند که یکی از آنها به نام میسره ابوحمديه در دوم آوریل، بر اثر ابتلا به سرطان حنجره به شهادت رسید. این خطر، زندگی تمام بیماران را تهدید می‌کند.

شهدای اسیر

شمار شهدای اسیر از سال ۱۹۶۷ به ۲۰۴ اسیر می‌رسد که پس از بازداشت، به دلیل شکنجه و سهل‌انگاری پزشکی یا قتل عمد یا در نتیجه استفاده از کتک‌های شدید یا گلوله زنده به شهادت رسیده‌اند. همچنین علاوه بر این‌ها اسرای وجود دارند که پس از آزادی از زندان به شهادت رسیده‌اند؛ آن‌هم بر اثر بیماری‌هایی که از زندان و شکنجه و بی‌توجهی پزشکی به ارث برده‌اند؛ مانند اشرف ابو ذریع، زهیر لباده، مراد ابوساکوت و هایل ابوزید.

به طور اجمالی، تعداد اسرای که در فاصله زمانی سال ۱۹۶۷ تا انتفاضه الاقصی در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰ به شهادت رسیده‌اند، ۱۲۳ نفر است که میزان ۶۳ درصد را نشان می‌دهد و از سپتامبر ۲۰۰۰ تا کنون، ۸۱ اسیر به شهادت رسیده‌اند که آخرین آنها میسره ابوحمديه بود.

سال ۲۰۰۷ بالاترین میزان شهادت اسرا در داخل زندان‌های اسراییلی را به خود دید. در آن سال هفت اسیر به شهادت رسیدند که شهادت پنج نفر از آنان در اثر سهل‌انگاری پزشکی بود.

مرکز آمار و وزارت اسرا و آزادشدگان فلسطینی خاطر نشان می‌کند که بیش از ۸۰۰ هزار فلسطینی یعنی حدوداً معادل ۲۰ درصد از فلسطینیان مقیم در سرزمین‌های فلسطینی اشغالی، از سال ۱۹۶۷، از سوی نیروهای اشغالگر اسراییلی، در معرض

بازداشت قرار گرفته‌اند.

ارقام وزارت اسرا نشان می‌دهد از مجموع مواردی که از سال ۱۹۶۷، در معرض بازداشت قرار گرفته‌اند، ۷۸۰۰۰ مورد بازداشتی که از ابتدای انتفاضه الاقصی در سپتامبر ۲۰۰۰، ثبت شده است. در این میان ۹۵۰ نفر آوارگان، بیش از ۹۰۰۰ کودک، بیش از ۵۰ نماینده و وزیر پیشین وجود دارند که صدها نفر از رهبران سیاسی، شخصیت‌های دانشگاهی، حرفه‌ای و مطبوعاتی نیز به آنها اضافه می‌شوند.

به طور اجمالی، تعداد اسرایی که در فاصله زمانی سال ۱۹۶۷ تا انتفاضه الاقصی در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰ به شهادت رسیده‌اند، ۱۲۳ نفر است که میزان ۶۳ درصد را نشان می‌دهد و از سپتامبر ۲۰۰۰ تا کنون، ۸۱ اسیر به شهادت رسیده‌اند که آخرین آنها میسره ابو حمدیه بود

